



۱. نهی توقیت در روایات

چندین روایت بیانگر نهی توقیت یا تعیین زمان برای ظهور امام(ع) است و حاکی از آن هستند که هر کس زمانی معین را برای ظهور تعیین کند، دروغگو است، زیرا زمان ظهور ایشان، از جمله اسرار الهی است. در یک توقیع از امام مهدی(ع) که به واسطه نایب دوم، محمد بن عثمان العمری نقل شده، آمده است: «أما ظهور و فرج، از جمله اموری است که تنها خدا آن را می‌داند و تعیین کنندگان زمان برای این امر، دروغ‌گو هستند» و در یک توقیع دیگر، به واسطه نایب چهارم، علی بن محمد السمری آمده است: «غیبت دوم روی داده و هیچ ظهوری، جز به اذن پروردگار بزرگ نخواهد بود»^۱ از امام صادق(ع) روایت شده که ایشان فرمود: «خداوند زمان تعیین شده توسط تعیین کنندگان زمان ظهور را تغییر می‌دهد»^۲.

شیخ صدوق از عبدالسلام هروی نقل کرده که گفت: از دعبل خزاعی شنیدم که گفت: زمانی که این قصیده‌ام را که با عبارت:

مدارس آیات خلت من تلاوة
و منزل وحی مقفر العرصات

شروع می‌شود، برای امام رضا(ع) خواندم و به این ابیات رسیدم:

خروج الإمام لامحالة خارج
يقوم علی اسم الله بالبركات
يميز فينا كل حق و باطل
و يعجزی علی النعماء و التّعمات

امام رضا(ع) به شدت گریست سپس سرش را به سمت من گرفت و فرمود: «ای خزاعی، روح القدس این دو بیت را با زبان تو خواند. آیا می‌دانی این امام کیست؟» و چه زمانی قیام می‌کند؟ عرض کردم، نه سرورم، تنها شنیده‌ام که امامی از نسل شما خروج می‌کند و زمین را از فساد پاک می‌کند و همان‌گونه که از ستم سرشار شده، آن را سرشار از عدالت می‌کند. سپس فرمود: «ای دعبل، امام پس از من، محمد پسر من است و پس از محمد، پسرش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از حسن، پسرش حجّت قائم منتظر در غیبتش است.

مردم از او در زمان ظهورش فرمان برداری می‌کنند، اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می‌کند تا او خروج کند و زمین را همان‌گونه که سرشار از ستم و بی‌داد شده، سرشار از عدالت و داد کند. اما کلمه «چه وقت»، برای کسب آگاهی از زمان است. پدرم برای من به نقل از پدرانش گفت: «به پیامبر(ص) عرض شد، ای فرستاده خدا، قائم از نسل تو کی خروج می‌کند؟ فرمود، مثل آن همانند قیامت است که خداوند درباره آن می‌فرماید: «تنها اوست که چون زمانش فرا رسد، آشکارش می‌سازد. فرارسیدن آن بر آسمانیان و اهل زمین پوشیده است، و جز به ناگهان بر شما نیاید»^۳

هر که گفت ... دروغگو بخوانش*

(قسمت دوم)

مجتبی الساده / مترجم: سید شاهپور حسینی

۱. نهی توقیت در روایات

چندین روایت بیانگر نهی توقیت یا تعیین زمان برای ظهور امام مهدی(ع) است و حاکی از آن هستند که هر کس زمانی معین را برای ظهور تعیین کند، دروغگو است، دلیل این مطلب آن است که زمان ظهور ایشان، از جمله اسرار الهی است. در یک توقیع از امام مهدی(ع) که به واسطه نایب دوم، محمد بن عثمان العمری نقل شده، آمده است: «أما ظهور و فرج، از جمله اموری است که تنها خدا آن را می‌داند و تعیین کنندگان زمان برای این امر، دروغ‌گو هستند» و در توقیعی دیگر، به واسطه نایب چهارم، علی

بنابراین، از مجموع این احادیث و اخبار این گونه برمی آید که توقیت که از جانب پیامبر و اهل بیت (ع) نهی شده، به هیچ عنوان جایز نیست.

طرح یک پرسش

ممکن است کسی بگوید: میان توقیت نسبت داده شده به اهل بیت (ع) با توقیت نسبت داده شده به دیگران، مانند کسانی که معصوم نیستند (از اشخاص عادی هستند) تفاوت وجود دارد و آن توقیتی که مذموم و نکوهش شده است، توقیت نسبت داده شده به معصومین (ع) است.

پاسخ این گفتار یا شبهه این است که هیچ دلیل و سندی مبنی بر صحت این قول در اخبار معصومین (ع) دیده نمی شود و تنها چیزی که در مورد توقیت وجود دارد، ممنوع بودن این کار به طور کلی و بدون استثنا است؛ چه توقیت با نقل قول از ایشان و چه توقیتی که دیگران ممکن است اعلام کنند. با توجه به این نکته، همه کسانی که زمانی برای ظهور تعیین می کنند، دروغ گو به شمار می آیند.

بنابراین، به این نتیجه می رسیم که زمان ظهور امام (ع) بسته به اراده الهی است و خداوند بزرگ باید به ایشان اجازه ظهور دهد. حال، معین کردن هر زمانی برای ظهور، سخنی گزاف و بی اساس است. همه مؤمنان اتفاق نظر دارند که زمان آن روز موعود را تنها خداوند می داند و مردم هیچ گونه اطلاعی از آن ندارند و از ظاهر برخی روایات این گونه برمی آید که حتی معصومین نیز از زمان آن اطلاعی نداشته اند و به همین دلیل مشخص کردن تاریخ خاصی برای ظهور امام (ع) کاری نادرست و دروغی آشکار است.

دوم: مشخص کردن و تعیین زمان ظهور، با فلسفه انتظار در تعارض است و باعث ناامیدی مردم می شود.

نهی توقیت و حکمت انتظار

خداوند بلندمرتبه و بزرگ، زمان ظهور ولی خود را برای اهداف تربیتی و بزرگ، پنهان نگاه داشته است تا مؤمنان همیشه منتظر او باشند. حال فرض کنیم توقیت جایز باشد، با این فرض، چه نتایجی به دست می آید؟ به عنوان مثال، زمان ظهور هزار سال بعد باشد، در این صورت مؤمنان، از روحیه انتظار تهی شده، به تبع آن، حالت ارتباط معنوی و روحی را با امام غایبشان، از دست می دهند و این گونه، این مسئله به اسطوره و افسانه نزدیک تر می شود تا واقعیت و بیشتر نزدیک به اوهام و خیالات می شود تا حقیقت، و این گونه، مسئله مهدویت به تدریج از ذهن و فکر نسل های بعدی رخت برمی بندد. این مرگ و تحلیل رفتن تدریجی، حتی درباره توحید هم در امت های پیشین اتفاق افتاده است. پس چه چیزی مانع چنین اتفاقی در عرصه مهدویت می شود؟ در آن صورت، کسانی که مشتاق مسئله مهدویت باشند، به

بن محمد السمری آمده است: «غیبت دوم روی داده و هیچ ظهوری، جز به اذن پروردگار بزرگ نخواهد بود».

از امام صادق (ع) روایت شده که ایشان فرمود: «خداوند زمان تعیین شده توسط تعیین کنندگان زمان ظهور را تغییر می دهد».

شیخ صدوق از عبدالسلام هروی نقل کرده که گفت: از دعبل خزاعی شنیدم که گفت: زمانی که این قصیده ام را که با عبارت:

مدارس آیات خلت من تلاوة

و منزل وحی مقفر العرصات

شروع می شود، برای امام رضا (ع) خواندم و به این ابیات رسیدم:

خروج الإمام لامحالة خارج

يقوم علی اسم الله بالبرکات

يميز فينا كل حق و باطل

و يجزي علی النعماء و الثمات

قيام امام (ع) که یقیناً قیام خواهد فرمود

او بر نام خدا و همراه برکات قیام می کند

و در میان ما حق را به طور کامل از باطل جدا می سازد

و نعمت ها و نعمت ها را جزا می دهد

امام رضا (ع) به شدت گریست، سپس سرش را به سمت من گرفت و فرمود: «ای خزاعی، روح القدس این دو بیت را با زبان تو خواند. آیا می دانی این امام کیست؟ و چه زمانی قیام می کند؟» عرض کردم: نه سرورم، تنها شنیده ام که امامی از نسل شما خروج می کند و زمین را از فساد پاک می کند و همان گونه که از ستم سرشار شده، آن را سرشار از عدالت می کند. سپس فرمود: «ای دعبل، امام پس از من، محمد پسر ام است و پس از محمد، پسرش علی و پس از علی فرزندش حسن و پس از حسن، پسرش حجت قائم منتظر در غیبتش است. مردم از او در زمان ظهورش فرمان برداری می کنند. اگر تنها یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خداوند آن روز را طولانی می کند تا او خروج کند و زمین را همان گونه که سرشار از ستم و بی داد شده، سرشار از عدالت و داد کند. اما کلمه «چه وقت»، برای کسب آگاهی از زمان است. پدرم برای من به نقل از پدرانش گفت: «به پیامبر (ص) عرض شد، ای فرستاده خدا، قائم از نسل تو کی خروج می کند؟ فرمود، مثل آن همانند قیامت است که خداوند درباره آن می فرماید: «تنها اوست که چون زمانش فرا رسد، آشکارش می سازد. فرارسیدن آن بر آسمانیان و اهل زمین پوشیده است، و جز به ناگهان بر شما نیاید».

اخبار زیادی از پیامبر و اهل بیت (ع) رسیده که کسانی را که برای ظهور وقت تعیین می کنند، دروغ گو شمرده و بر دروغ گویی آنها تأکید می کند و این مسئله را که یکی از معصومین (ع) از زمان ظهور خبر داده باشد، نفی می کند. بنابراین هیچ یک از معصومین (ع) اطلاعی در این مورد نداده اند و حتی هر کس را که چنین ادعایی داشته، تکذیب کرده اند. فضیل از امام باقر (ع) پرسید، آیا این امر، زمان خاصی دارد؟ امام (سه مرتبه) فرمود: «تعیین کنندگان زمان ظهور دروغ گو هستند».

از عبدالرحمن بن کثیر نقل شده که گفت: نزد اباعبدالله (ع) بودم که مهزم اسدی به حضور امام آمد و عرض کرد: قربان شما گردم، این امر که منتظر آن هستید، چه زمانی است؟ این زمان طولانی شده؛ امام فرمود: «ای مهزم، تعیین کنندگان زمان ظهور دروغ گو هستند. ما اهل بیت، زمانی را تعیین و بیان نمی کنیم». سپس فرمود: «هر کس از میان مردم، زمانی خاص را مشخص و اعلام کرد، بی درنگ او را دروغ گو بدان، زیرا ما برای هیچ کس زمانی را مشخص نکرده ایم».

است که کسی دچار ناامیدی نمی‌شود و دائماً مترصد فرج و ظهور امام و در حال انتظار فرج است.

سوم: تعیین زمان ظهور، باعث شکست جنبش و انقلاب امام در آغاز ظهورشان می‌شود. مسئله زمان ظهور امام، مسئله‌ای بسیار دقیق، ظریف و حکیمانه است و به همین دلیل، این خود نیمی از مسئله ظهور به شمار می‌آید و اهمیت آن به این اندازه است که صدها سال مردم باید در انتظار ایشان باشند. حکمت الهی برای موفقیت‌آمیز بودن قیام امام در آن روز موعود، این‌گونه اقتضا کرده که ظهور امام، ناگهانی باشد، زیرا اگر تاریخ و زمان ظهور ایشان از قبل تعیین شده بود، این خود به مهم‌ترین عامل برای شکست آن تبدیل می‌شد و آن حکومت عدالت‌گستر پیش از آنکه انقلاب امام پیروز شود و گسترش یابد، نابود می‌گردید.

عصر ناگهانی بودن زمان و روز ظهور امام، اثر زیادی در پیروزی امام و موفق بودن انقلاب ایشان دارد؛ حال زمان ظهور هرچند در علم ازلی خداوند، مربوط به تمام ممکنات و مخلوقات، اسباب و مسبب و علت و معلول آنها مشخص است، اما در مورد علل و شرایط آن، زمان مشخص و معینی ندارد و می‌توان آن را این‌گونه توضیح داد: تعیین زمان ظهور امام(ع) باعث شناسایی آن زمان توسط دشمنان خواهد شد. در نتیجه آنها زمینه را برای از بین بردن ایشان و با شکست مواجه ساختن طرح‌ها و برنامه‌های ایشان آماده می‌کنند. از سوی دیگر، این به معنای آماده نساختن شرایط مناسب برای تحقق یافتن وعده خداوند، است و البته این برخلاف حکمت خداوند است؛ زیرا خداوند خلف وعده نمی‌کند. بدین ترتیب درمی‌یابیم که معنای آماده نساختن شرایط، مردان مورد امتحان است که شرط ظهور هستند و همچنین، نبود پایگاه‌های مردمی که به عقیده مهدویت ایمان دارند. اما با وجود فاصله زمانی زیادی که نسل‌های مختلف را از زمان ظهور جدا می‌کند، (به فرض اینکه اگر زمان ظهور دقیقاً مشخص بود) این مسئله باعث از بین بردن برخی شرایط و منتفی شدن مسئله ظهور، به‌طور کامل می‌شود، به گونه‌ای که تحقق یافتن آن عاقلانه به نظر نمی‌رسد و نبود برخی دیگر از شرایط و عناصر، باعث شکست انقلاب ایشان می‌شود، در نتیجه، امکان گسترش عدالت فراگیر که یک طرح الهی است، بسیار کم می‌شود.^۱ بنابراین ناگزیر، باید شرایطی را فراهم کرد تا ظهور و موفقیت و پیروزی آن تحقق یابد و این تنها با خودداری از توقیت و نهی آن میسر می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها:

- نویسنده محترم در قسمت نخست این مقاله به بیان نمونه‌هایی از تعیین وقت‌کنندگان برای ظهور و دلایل آنها پرداخت. وی سپس به دلایل عقلی نهی از توقیت اشاره نمود. ادامه مطلب با موضوع: نهی از توقیت در روایات، در این قسمت آمده است.
۱. کمال‌الدین، ص ۴۶۷؛ غیبه طوسی، ص ۲۶۶.
 ۲. غیبه نعمانی، ص ۱۹۸، المعجم الموضوعی، ص ۷۶۷.
 ۳. کمال‌الدین، ص ۳۴۷، اعلام الوری، ص ۳۱۸، منتخب الاثر، ص ۲۲۱، دیوان دعبیل الخزاعی، الدجلی، ص ۱۴۳.
 ۴. نعمانی، ص ۱۹۸، غیبه نعمانی، ص ۱۹۸، المعجم الموضوعی، ص ۷۶۷، بشارة الاسلام، ص ۲۹۹، منتخب الاثر، ص ۴۶۳.
 ۵. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴.
 ۶. غیبه طوسی، ص ۲۸۶، غیبه نعمانی، ص ۱۹۷، المعجم الموضوعی ص ۷۶۷، بشارة الاسلام، ص ۲۹۹، منتخب الاثر، ص ۴۶۳.
 ۷. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۰۴.
 ۸. غیبه نعمانی، ص ۱۹۸.
 ۹. غیبه نعمانی، ص ۱۳۴.
 ۱۰. تاریخ الغیبه الكبرى، ص ۳۹۶.

چشم نمی‌خورند و کسی توجه چندانی به آن نمی‌کند و در آن هنگام منتظرانی که با عشق و اشتیاق با این مسئله برخورد می‌کنند، آن‌گونه که ما در طول تاریخ مشاهده می‌کنیم، مشاهده نخواهند شد. اهل بیت(ع) از بیان زمان ظهور خودداری کرده‌اند، زیرا آنها با علم لدنی، حکمت و معرفتی که خداوند به آنها داده است، دریافته‌اند که اگر آنها زمان ظهور را به شیعیان نشان اطلاع دهند، حتی اگر پس از چند قرن باشد، این به صلاح مردم و دوستانان نخواهد بود و مؤمنان در مسئله ظهور صاحب‌الزمان دچار ناامیدی می‌شوند و شاید آن باعث به وجود آمدن فتنه بزرگی شود که در امت اسلامی پیش آید.

علی بن یقظین روایت کرده است: «امام موسی کاظم(ع) به من گفت: ای علی، شیعه با امیدها و آرزوها پرورش می‌یابد... اگر به ما گفته شود، این مسئله پیش نمی‌آید مگر دویست یا سیصد سال دیگر، دل‌ها ناامید می‌شود و بسیاری از عامه مردم دست از ایمان به اسلام می‌شویند، اما ائمه پیوسته می‌گفتند چه نزدیک و سریع است ظهور، تا دل‌های مردم متحد و در آرزوی او باشد.»^۸

نهی توقیت، از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های انتظار فرج و از بارزترین ارکان بنای آن است، با توجه به این، سخن گفتن یا سؤال کردن در مورد زمان دقیق ظهور، اشتباهی بزرگ است که کسانی که از حکمت انتظار آگاهی ندارند، در آن می‌افتند؛ حکمتی که مؤمن را دائماً در حالتی قرار می‌دهد که همیشه منتظر و چشم به راه امام مهدی(ع) باشد اما در صورت تعیین زمان ظهور ایشان برای مردم، آمادگی و انتظار و مواردی که با مسئله فرج در ارتباط است، توجهی نخواهد داشت، زیرا این‌گونه مسائل مربوط به دوران کمی پیش از ظهور است.

شاید یکی از حکمت‌های پنهان نگه داشتن زمان ظهور این باشد که مؤمنان در طی قرن‌ها، منتظر امام باشند و به خاطر این انتظار تلخ پاداش بگیرند، زیرا انتظار، مؤمنان را به پایداری و پابندی به دستورهای شریعت، دعوت می‌کند، زیرا ظهور امام(ع) ناگهانی خواهد بود. اگر زمان ظهور مبارک ایشان معلوم و از پیش تعیین شده بود، این انتظار وجود نداشت و امیدها تبدیل به ناامیدی می‌شد و مؤمنانی که در دوران پیش از ظهور زندگی می‌کردند، از پاداش انتظار بی‌نصیب می‌ماندند. ابوبصیر به نقل از امام صادق(ع) روایت کرده که ایشان فرمود: «هر کس می‌خواهد از یاران قائم(ع) باشد، باید منتظر باشد و پرهیزگاری کند و پایبند فضایل اخلاقی باشد. اگر شخصی با چنین احوالی، منتظر باشد و بمیرد و پس از مرگ او، قائم(ع) قیام کند، اجر و پاداش او مانند اجر و پاداش کسی است که به حضور ایشان رسیده است. پس تلاش کنید و منتظر باشید. این گوارای شما باد، ای گروه مورد رحمت»^۹.

از جمله رحمت‌های الهی بر این امت، این بوده که زمان ظهور برای مردم ناشناخته و نامعلوم است و این‌گونه